



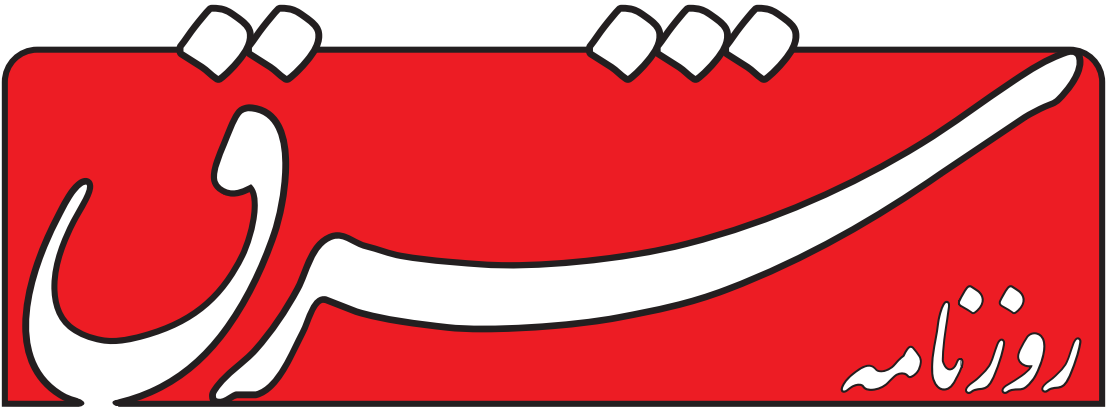
رئیس قوه قضائیه در مراسم شب بیست ویکم ماه رمضان:

ملکه عدالت، ضرورتی برای همه دست‌اندرکاران

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه گفت: ملکه عدالت ضرورتی برای همه دست‌اندرکاران و آحاد جامعه است و اصلاح ذات‌البین باید در دعاوی مورد توجه قرار گیرد. به گزارش میزان، حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، در مراسم شب بیست ویکم ماه...

صفحه ۶

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۲ رمضان ۱۴۴۱ - ۱۶ می ۲۰۲۰



گفتاری از هاشم آقاجری

دشمنان نامرئی انسان در طول تاریخ

گروه اندیشه: بیماری‌های همه‌گیر از عوامل مهم شکل‌دهنده تاریخ‌اند که بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جوامع انسانی تأثیرات زیادی بر جای گذاشته‌اند. این بیماری‌ها در طول تاریخ علت وقوع جنگ‌ها...

صفحه ۸

سال هفدهم - شماره ۳۷۲۱ - ۱۶ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

ریکاوری سیاست

احمد غلامی - سردبیر



بسیاری از تحلیلگران سیاسی بر این نکته تأکید دارند که سیاست داخلی ایران چه قبل و چه بعد از کرونا دچار نوعی رکود و رخوت بوده است. حتی برخی بر این باورند که این ویروس موجب فراموشی وضعیت رخت‌ونک سیاست داخلی ایران شده و آن را تا حدی از آماج حملات اپوزیسیون در امان نگه داشته است. چندان معلوم نیست که اگر کرونا به جامعه ایران سرایت نمی‌کرد، سیاست داخلی چه وضع و حالی داشت. انتخابات مجلس یازدهم با هر تحلیل خوش‌بینانه‌ای نشان داد سیاست و چهره‌های سیاسی همه جناح‌ها در بین مردم وضعیت مطلوبی ندارند و اگر ویروس کرونا به دادشان نمی‌رسید، آنان در میان انفعال مردم و حملات اپوزیسیون از پا درمی‌آمدند و این یعنی چهره‌های سیاسی فرصت دارند در پشت بلای کرونا که سپر بلای آنان شده، به احیای خود بپردازند. از طرفی دیگر برخی تحلیلگران هم تصویری آخرالزمانی از بساکرونا می‌دهند که معلوم نیست چقدر به واقعیت نزدیک است. تضادها همواره در سیاست تعیین‌کننده‌اند. اکنون که جامعه دست به گریبان بیماری کرونا است، تا زمانی که این بیماری از پا درنیامده و عادت نشده، چهره‌های سیاسی فرصت دارند به احیای خود بپردازند؛ همان کاری که احمد شاملو با ادبیات، به‌ویژه ادبیات کلاسیک در دهه ۶۰ کرد. او با حمله به شاهنامه پای بسیاری از چهره‌های فرهیخته فرهنگی را که در خواب زمستانی فرو رفته بودند، به میدان کشید و آنان هریک به قدر وسعت دانش خود در دفاع از شاهنامه به او تاختند. سخنی به کزاف نیست، اگر بگوییم احیای مجدد شاهنامه و خروج چهره‌های فرهنگی از انفعال در آن دوران موهون بصیرت سیاسی احمد شاملو است. آنچه اکنون بیش از پیش سیاست داخلی ما به آن نیاز دارد، شوک واقعی به پیکره نیمه‌جان سیاست است؛ شوکی که آن را احیا، جراحی و بعد از ریکاور به جامعه بازگرداند. با وضعیت کنونی اصلاح‌طلبان اگر این امر شدنی نباشد، کار بسیار سختی است. مهم‌تر اینکه چه کسی می‌تواند این شوک را به پیکره سیاست داخلی ازجمله به طیف اصلاح‌طلبان وارد کند؟ آن هم اصلاح‌طلبانی که منفک از سیاست داخلی نیستند، شاید از این منظر انتقادات کرباسچی به سیدمحمد خاتمی تامل‌برانگیز باشد که بتوان آن را نمونه‌ای از این شوک‌دهی ارزیابی کرد؛ اما با واکنش‌هایی که کرباسچی با آن روبرو شد، معلوم شد که او به هر دلیلی نمی‌تواند مرجع این شوک باشد؛ به‌ویژه اینکه مشکل چهره‌های سیاسی ایران را در این بینیم که آنان بیش از آنکه شور سیاست داشته باشند، در خدمت سیاست‌اند. به معنای دیگر آنان در استخدام سیاست‌اند و برای سیاست‌ورزی ثبت‌نام کرده‌اند. مانند کارمندان مؤسسات تجاری که در استخدام یک مؤسسه‌اند و باید همسو و هم‌راز سیاست‌های این مؤسسات تجاری گام بردارند و قدرت عمل‌ورزی‌شان در حیطه معینی، تعیین یافته و به تصرف نهادهای رسمی درآمد است و از این‌رو آنان سازگار و همسو با این نهادهای دست به عمل می‌زنند. شاید برای چهره‌های کنونی سیاسی بحث از «اراده آزاد» معنای کاربردی و واقعی نداشته باشد و بیش از هر چیز خود این چهره‌ها هستند که با هرگونه سیاست‌ورزی به شیوه آزاد مخالف‌اند؛ اما وضعیت کنونی بی‌اعتنا به خواسته و میل آنان بیش می‌رود و اگر چهره‌های سیاسی از وضعیت استخدامی خارج نشده و ابتکار عمل را به دست نگیرند، آهسته و پیوسته در مؤسسه بزرگ سیاست بازنشسته خواهند شد. بازنشستگان از توان تهی‌اند و کاری جز خاطر‌نویسی ندارند. از سوی دیگر با انتقاداتی از جنس سخنان کرباسچی و دیگر اصلاح‌طلبان به خاتمی نمی‌توان سیاست را احیا کرد.

ادامه در صفحه ۲

نزدیکان احمدی نژاد وارد فضای انتخاباتی شدند

بازگشت معجزه هزاره سوم

جوانفکر، تلویحا از ورود احمدی نژاد به انتخابات ۱۴۰۰ پرده برداری کرده است



صفحه‌های ۵ و ۲

تیترا

مدیرعامل صندوق توسعه در لیست متهمان هفت‌تپه

صفحه ۴

جزئیات نقش انگلیس در بر خورد با حزب توده

صفحه ۳

چوب حراج بر کف پیاده‌روها

صفحه ۱۳

سناتور دموکرات خواستار «نقشه صلح کروناوی» ایران و آمریکا شد

صفحه ۱۵

بگومگوی توپیتری اصولگرایان ادامه دارد

صفحه ۳

حربه جدید تلویزیون برای آشتی با دایی

صفحه ۱۴

حرف اول

وظیفه دولت در قبال امنیت مالی مردم

نامبر ذاکری - کارشناس اقتصادی



در چند قرن گذشته مفهوم دولت و نقش آن در جامعه بشری تحولی جدی یافته و مردم از جایگاه رعیت به شهروندان و اربابان دولت ارتقا یافته‌اند. طومار وظایف دولت روزبه‌روز طولانی‌تر شده و متناسب با رشد اقتصادی و سیاسی جامعه، توقعات شهروندان از دولت افزایش می‌یابد. با بروز هر حادثه طبیعی، اعم از زلزله، سیل، توفان و خشک‌سالی و نیز با شیوع بیماری‌های واگیردار، با شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و کلا هر پدیده نوظهوری که آرامش زندگی شهروندان را برهم زند، بلافاصله این سؤال در ذهن ناظران نقش می‌بندد که آیا دولت به وظایف خود به‌خوبی عمل کرده یا خواهد کرد؟ یکی از محورهای مهم وظایف دولت‌ها گسترش امنیت مالی برای شهروندان است؛ بدین معنی که دارایی‌های شهروندان باید با امنیت کامل از گزند حوادث حفظ شود و کسی متعرض حقوق مالکانه آنها نشود. صدور اسناد مالکیت، تعریف و شناسایی اشکال مختلف مالکیت معنوی و... همه‌وهمه جزء وظایف دولت برای تثبیت حقوق مالکانه و گسترش امنیت مالی در جامعه است. حال با این مقدمات سؤال بسیار مهمی مطرح می‌شود: در شرایط تورمی که ارزش دارایی‌های نقدی شهروندان کاهش می‌یابد، به‌ویژه در دوران حاکمیت تورم دورقمی که این کاهش ارزش سرعتی سرگیجه‌بر پیدا می‌کند، دولت چه وظیفه‌ای در قبال حفظ دارایی شهروندان از گزند تورم دارد؟ به بیان دیگر، وقتی از دولت انتظار می‌رود خسارت‌های خشک‌سالی یا سیل را جبران کند، آیا می‌توان تورم را بله‌ای متفاوت با سایر بلایای طبیعی و غیرطبیعی دانست و برای دولت در قبال آن وظیفه‌ای تعریف نکرد؟ یا توجه به این واقعیت که بروز تورم در اصل نتیجه اعمال سیاست‌های نامناسب اقتصادی از طرف خود دولت است و حتی فراتر از آن، تورم موقعیت مالی دولت را در مقابل شهروندان تقویت کرده و از ارزش بدهی دولت به آنان کم می‌کند، اندیشیدن به این سؤال اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اکنون دولت‌ها می‌توانند با افزایش حجم نقدینگی و افزودن بر نرخ تورم راه آسان و کم‌درسری برای تأمین مالی برنامه‌های عملیاتی خود طی کنند. از این‌رو اقتصاددانان تورم را یک نوع نظام مالیاتی ناعادلانه تلقی می‌کنند، زیرا بخشی از ارزش دارایی اقشار کم‌درآمد جامعه را به دولت منتقل می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نواندیشی دینی، اخلاق و فقه



سیدصادق حقیقت
استاد دانشگاه مفید

صناعت فقه، قواعد حاکم بر آن و حرکت در مسیر اجتهاد (حتی با رویکردی نواندیشانه) نداریم. قبلاً کتاب «فقه و حکمرانی حزبی» نشان داد که چندان به این چارچوب مقید نیست و اینک در گفت‌وگوی مجازی اخیر، در راستای تأیید نواندیشی دینی و نقد روشنفکری دینی مدهامایی مطرح شده که نیاز به برهان و استدلال دارد (نخن ایناء الدلیل، کلمات مال نمیل). به نظر می‌رسد قدر اشتراک نقد دکتر فناهی و دکتر مجاهدی به گفت‌وگوی اخیر این مسئله باشد. اگر ادعا می‌شود که «روشنفکری دینی تحت تأثیر جریان چپ، دین را به ایدئولوژی تبدیل کرده» باید دید در خصوص همه، از جمله دکتر شریعتی و دکتر سروش، کلیت دارد یا نه و اساساً جرای این مسئله است که اهمیت دارد.

۴- در خود فقه سیاسی هم اگر ادعا می‌شود که رویکردی نواندیشانه نیاز است، باید بر نقاط کلیدی انگشت گذاشت. همان‌گونه که دکتر میرموسوی اشاره دارد، باید به مسائلی مانند میزان اعتبار بنای عقلا و سیره عقلا و همچنین ارشادی بودن اوامر و نواهی شارع مقدس در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی (طبق مبانی آیت‌الله منتظری) توجه کرد. نواندیشی دینی باید بتواند به شکل روشمند نشان دهد که چرا برداشت مستدل‌تر یا سازوارتر از رقیابیش است. بله، «فقه‌پردشدنی نیست». اما مهم این است که چگونه اعتبار سنجی شود. نظریه همروی درحالی‌که برخی روشنفکران دینی بر خلط دو گفت‌وگو روشنفکری دینی و نواندیشی دینی اصرار دارند، صاحب این قلم سعی کرده بین دوگانه روشنفکری دینی/ نواندیشی دینی حداقل در شش مورد تمایز قائل شود: منبع معرفت (عقل مدرن) / تکرش تعاملی به دین و عقل مدرن، اعتبار فقه سیاسی (تشکیک در فقه سیاسی و فقه اجتماعی/ اعتبار محدود آن)، نسبت عقل و دین (داشتن جانب عقل مدرن در تعارض عقل و دین/ پاسداشت جانب دین)، نسبت ادله فرامتنی و متنی (تکیه بر ادله برون‌دینی و فرامتنی/ تکیه بر ادله درون‌دینی و برون‌دینی، سکولاریسم/ گرایش به سکولاریسم/ مرزبندی با سکولاریسم)، روش‌شناسی دینی (تکیه بر ادله فرامتنی/ تکیه به ادله فرامتنی در کنار اجتهاد مصطلح).

۲- شاید مهم‌ترین مسئله در تمایز شش‌گانه فوق، بحث اعتبار فقه سیاسی و نسبت آن با اخلاق باشد. بر اساس نظریه همروی، فقه سیاسی اعتباری محدود - صرفاً در حد تعیین احکام وضعیه و تکلیفیه خمس- دارد و نمی‌توان باری بر دوش آن نهاد. ۳- اگر هدف بررسی اعتبار فقه سیاسی در پروژه یا گفت‌وگو نواندیشی دینی باشد، چاره‌ای جز پاسداشت

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

تورم؛ سرقت از جیب فقرا



ماهدی نافار
وکیل دادگستری

۲. در قباب تاریخ، تصویر و صدای محرومان کتمان شده و به‌واسطه همین سنت دیرین، واژه فقر مستضعف مرادف با ضعیف نگه داشته‌شده (با فاعل مجهول) در جولان اراده‌های تک‌اثرطلب خطاب می‌شود. یعنی سوداگرانی هستند که نفعشان و وجودشان در ضعیف نگه‌داشتن اکثریت است. وقتی کشوری داراست و منابع ارزشمند هفتمین ثروت طبیعی جهان را دارد ولی بخش درحال‌رشدی از مردم فقیرند، یعنی با کارآمدی سیستماتیک عدالت اجتماعی ضعیف است یا توزیع منابع کمیت‌لنگ دارد یا انگیزه اولویت‌مدار برای زدودن فقر مفقود است یا دست‌های فاسد نفعی در این قصه انداخته‌اند. پیامد این وضعیت کاستی، مولد خشم، ناامیدی و گسست اجتماعی و محملی برای انکار وجود فقر است. آنها که درگیر حداقل معیشت هستند، رخصتی برای عرض اندام اجتماعی یا مجال مطالبه و پرسشگری ندارند و فقط می‌توانند دریچه‌ای برای حیات حداقلی و زیست‌بخورونمیر به سمت جامعه باز کنند و سایر حقوق، عزت و کرامت آنها تحت فشار فقر، از بین می‌رود. گاهی شنیدن خودکشی بچه‌های فقیر، محرومیت خانواده‌های بی‌کار از عزت نفس، سفره‌های تهی‌شده، استعداددهای به‌خطر فقر کتمان‌شده و کودکانی که حداقل حق حیات را در سیاهه سطل زباله‌ها می‌جویند، همه آن شعارهای جامه عمل نبوشیده را جلوی چشم‌ها می‌آورد. این تابیلو، تلنگری به غیر اجتماعی همه ما و البته اظهارنامه‌ای خطاب به مسئولان است که امروز باید حاصل کشت خود را درو کنند. غرض این انکاره حکم صادر کردن نیست؛ به علت‌ها پرداختن است.

ادامه در صفحه ۴



تحویل روزنامه در منزل یا محل کار شما

۸۸۹۰۳۵۴۸

بدون هزینه ارسال

